



تفسير انجيل متي  
برای مشاوران مسیحي

**The Christian Counselors Commentary  
The Gospel of  
Matthew**

نویسنده: شاهرخ صفوی  
ویرایش: فرح صفوی  
مرجع: جی آدامز

در خصوص انجیل متی، تفسیر های مختلفی وجود دارد (اسپرین، جی آدامز، متیوهنری). ما مشاوران مسیحی که امروز به وجود روح القدس، و منظوری که در زندگی فرزندان خدا دارد آشنا هستیم، تفسیر عملی این آیات را بکار می بریم. کتابی که در دست دارید، آنچه مربوط به یاری فرزندان خدا می باشد را از طریق تفسیر انجیل (متی) برای مسیحیان فارسی زبان فراهم شده است. امیدوارم این کتاب باعث برکت شما بشود و پادشاهی خدا همانگونه که وعده داده (ارمیا ۴۹) در دل همه فارسی زبانان جهان جای بگیرد. آیات منتشر شده از ترجمه هزاره نو می باشند، مگر ذکر شده باشد. آمین

شاهرخ صفوی

## فصل بیست و یکم

### متی ۲۱

- ۱: چون به اورشلیم نزدیک شدند و به بیت فاجی در دامنه کوه زیتون رسیدند، عیسی دو تن از شاگردان خود را فرستاده،
- ۲: به آنان فرمود: «به دهکده ای که پیش روی شماست، بروید. به محض ورود، الاغی را با کرّه اش بسته خواهید یافت. آنها را باز کنید و نزد من آورید.
- ۳: اگر کسی سخنی به شما گفت، بگویید: «خداوند بدانها نیاز دارد»، و او بی درنگ آنها را خواهد فرستاد.»
- ۴: این امر واقع شد تا آنچه نبی گفته بود تحقق یابد که:
- ۵: «به دختر صهیون گوید، «هان پادشاهت نزد تو می آید، فروتن و سوار بر الاغ، بر کره الاغ.»»
- ۶: آن دو شاگرد رفتند و طبق فرمان عیسی عمل کردند.
- ۷: آنان الاغ و کرّه اش را آوردند و ردهای خود را بر آنها افکندند و او بر ردها نشست.
- ۸: جمعیت انبوهی نیز ردهای خود را بر سر راه گسترده و عده ای نیز شاخه های درختان را بریده، در راه می گسترده.
- ۹: جمعیتی که پیشاپیش او می رفتند و گروهی که از پس او می آمدند، فریادکنان می گفتند: «هوشیاعانا بر پسر داوود!» «مبارک است آن که به نام خداوند می آید!» «هوشیاعانا در عرش برین!»
- ۱۰: چون او وارد اورشلیم شد، شور و شوق همه شهر را فرا گرفت. مردم می پرسیدند: «این کیست؟»
- ۱۱: و آن جماعت پاسخ می دادند: «این است عیسی پیامبر، از ناصره جلیل!»

در این قسمت از کتاب، قادر مطلق، عیسی مسیح (خدا - روح القدس)، شخصاً خود را خدا و پادشاه ملت یهود (کلیسای عیسی مسیح) معرفی می نماید. تا بحال خود را در میان معدودی، عنوان پیامبر را بدست آورده بود (کشیش های مذهبی)، اما حال زمان آن فرا رسیده بود، که خواست پدر از پسر (اجرای پیام) انجام گردد. روح القدس است که خواست پدر را در فرزندش انجام می رساند. خودش گفته بود که هر چه می کند (و حال روح القدس می کند)، خواست پدرش می باشد. صحبت از ورود روح القدس به کلیسایش و دل اعضای آن می باشد. بسیاری پشت پرده پیام را در دلشان دیده بودند، اما حال پرده برداشته و چشم دل است که باز شده و تغییری در ایماندار بوجود آمده. چگونه .....؟ دنیا می گوید مسئله ژنتیکی است. اما ما مسیحیان می گوئیم روح القدس عامل انجام خواست خداست. پس مسئله روحانیست. اگر هم هنوز ژنتیکی می بینیم،

بخاطر آن است که آن کار عظیمی که خدا در شما انجام داده را خوب ندیده ایم. باید روح القدس را در کلامش شناخت، تا بتوان او را در خود پیدا نمود.

روح چیست .....؟ روح عامل حیات انسان است (آنچه باعث تحرک/عمل حیات است). روح شیطان عامل حیات شیطان است، و روح القدس عامل راه خدا. اوست که حیات را در آدم دمید (پیدایش ۲: ۷ .... ایوب ۳۳: ۴)، اوست که بارور کرد، و به دنیا آورد. اما روح خدا تنها حیات انسان نبود، روح خدا راه انسان نیز بود (باغ عدن). متأسفانه، با از جلال افتادن پدر بزرگمان جناب 'حضرت آدم'، روح شیطان (عامل خواست شیطان) در انسان ..... نسل اندر نسل، رشد کرده و به جایی رسیده که خدا شخصاً، با کل اقتدارش، پای بر میدان جنگ (دل کشیش و دل اعضای او) گذاشته، و کلیسایش را از هر آنچه دین و مذهب و غرور و ثروت و بزرگ منشی، (از بالا تا پائین)، وجود دارد را .... پاک نماید (آمین). امروز، این پیام ممکن است برای بسیاری خوشایند نباشد، و فکر نمی کنم خواست عیسی چنین بوده که یکدیگر را محکوم کنیم. خدا نکند فرزندان خدا نیز میان یکدیگر مسئله داشته باشند! پس منظور عیسی چه بود ...؟ شناخت روح القدس (خصوصیات او)، + کاری (عامل) که در هر یک از فرزندانش بوجود می آورد (میوه، تغییر، حل مسئله زندگی). می گوید شما وقتی مسئله یا مشکلی پیش می آید، آن را پیش خدا می برید (دعا)، اما همانجا می گذارید و بدست خدا می سپارید. امید و ایمان نیز دارید که در آینده آن را خدا مستجاب خواهد نمود. اما خوب این را مگر مذهبیهون نیز نمی گویند و نمی کنند (بدون نیاز به عیسی مسیح)! عیسی جانش را داد تا آنچه مکتب عیسی می باشد، در هر یک از فرزندان کامیاب گردد. باید آن را چشید تا بتوان آنچه دیدنی نیست را دید (با چشم دل). خدا در جای دیگر می گوید، "بچشید و ببینید که خداوند نیکوست، خوشا به حال آن که در او پناه بگیرد" (مزمور ۳۴: ۸). صحبت راجع به خدا زیاد شده و عموماً درست می باشند. اما آنکه راجع به خدا و خصوصیاتش صحبت می کند، باید لاق را انجام آن را نیز به زبان بیاورد. مگر شما با شنیدن کلام ایمان نیاوردید؟ پس روح القدس که دریافت کردید می خواهد آن کلام را در شما بکار ببرد. کار عظیمی را در شما کرده که کشیش و فرزند خدا شده اید. شکی در آن نیست. منظور درک جنبه عملی خدا می باشد (که در شما انجام شده) که همراه پیامی که جنبه علمی کلام را دارد، می دهید (خادمین) و می شنوید (اعضا)، باید اجرا بگردد (اشعیا ۵۵: ۸ و ۹) تا خواست خدا در کلیسایش و فرزندش انجام بگردد. آمین.

می گوید، "به دهکده ای که پیش روی شماست، بروید. به محض ورود، الاغی را با کره اش بسته خواهید یافت. آنها را باز کنید و نزد من آورید". توجه به اقتدار خود داشته باشید. کدام کسی را می شناسید که چنین حکمی را به شما داده باشد؟ البته روح القدس. او همان خالق و خدای ماست که نجات را به ما داد. اوست که صحبت از آن است. می گوید "به دهکده ای که پیش روی شماست، بروید". منظور آنچه خدا از شما خواسته ("پیش روی شماست")، به آنجا بروید. به دل خود بنگرید، تا جواب خدا را در دعا بگیرید. با دست باز و بی پروا، آنچه در دل هست را به خدا بگوئید. او گوش می کند. چرا .....؟ چون در وجودمان است. اما می خواهد به او بگوئیم. توانائی خود را با معیار های خود نسنجید. خدا در راه خودش است که قدرت لازم را برای انجام خواست خود خواهد داد. باورتنان می شود؟

می گوید، "به محض ورود، الاغی را با کره اش بسته خواهید یافت" .....! یعنی من تو را دیده ام که به محض ورودت، این دو کره علق را خواهی دید! وسائل ("کره علق") را فراهم ساخته ام. قدرت و طریق استفاده از وسائل را نیز در راه خواهم داد. اما عجله برای چیست .....؟ "به محض ورود". برای اینکه شیطان ممکن است از آنچه روح القدس به ذهن آورده، برباید. نگذارید آنچه روح القدس به دل شما میاورد، نادیده گرفته شود. در دعا با او صحبت کنید. او در وجود خودتان هست. اگر تجربه نشود، اطلاعات باطل خواهد بود. حالا چرا الاق و کره الاق! چرا نه یک اسب سفید پر اُبهت که وقار شاهانه را داشته باشد، مانند اسبهای که سلیمان از مصر برای خود وارد کرده بود. خیر، خدا اینگونه نیست. آنچه کوچک و ناچیز است را بالا آورده، آن را در فرزندش برکت می دهد. چه برکتی بالاتر از آنکه انسان خدا را بر دوش بکشاند (یوغ) و

این چنین استقبالی از او بشود ("جمعیت انبوهی"). خدا حیوانات باغ عدن را بدست آدم سپرده بود تا آنها را نام ببرد (بشناسد). اما صاحب این حیوانات نیز، بدون هیچ چشمداشتی آنها را بخشید! زمینه را خدا برای خواست خود همیشه فراهم می سازد. حتی بی ایمانان نیز به وجد می آیند.

می گوید، "اگر کسی سخنی به شما گفت، بگویید: "خداوند بدانها نیاز دارد،"" جالب است که می گوید، خدا "نیاز" دارد...! خدا در انسان است که نیاز دارد. نیاز به آنچه در این دنیا هست دارد تا خواست خود را (پیام) به کمال رساند. پیام داده شده. حال زمان برای زمینه سازی روح القدس فرا رسیده. وقت ختنه دل فرا رسیده. افکار مردم با شنیدن پیام تغییر کرد، اما حال لازم است پادشاه وارد شهر دل خود (اورشلیم آسمانی) بشود تا رفتار نیز مناسب با آن بگردد. کلام در جای دیگر می فرماید، "به جای آورنده کلام باشید، نه فقط شنونده آن؛ خود را فریب مدهید!" (یعقوب ۱: ۲۲).

هشدار است به کلیسا...، عیسی می خواهد وارد شهر خود (دل همه فرزندان) بشود و نیاز به وسائل (دو یا سه نفر همفکر) دارد تا آنگونه که خود می خواهد، خواست او انجام گردد. کیست که امید به خدایش داشته باشد، اما راه خدایش را دنبال نکند. مسئله عدم اعتباریست که روح القدس دارد. چرا...؟ چون اصل موضوع... نجات را امری مذهبی و ارواحی برداشت کرده اند، که برایشان فاقد ارزش وقت و فایده است. روح القدس محزون است. شما چهار ماه به ما بدهید، ما راه و روش مشاوره مسیحی را به شما یاد می دهیم (۱). در همه ما هست. فقط لازم است طریق کارش را بیاموزیم.

متی همیشه سعی داشت پیشگویی های عهد قدیم را با آنچه در شرف کمال شدن می باشد را نیز بیان کند، "این امر واقع شد تا آنچه نبی گفته بود تحقق یابد" (زکریا ۹: ۹). خودش گفته بود، "یوغ مرا بر دوش گیرید و از من تعلیم یابید، زیرا حلیم و افتاده دل هستم، و در جانهای خویش آسایش خواهید یافت" (۱۱: ۲۹).

حال چرا دو الاغ را خواسته بود...؟ عیسی تنها نیاز به یک الاغ داشت! ولی چون پای فرزند در میان بود، هر دو را در خود بکار برد (پرورش داد). این دو "الاغی را با کره"، مادر و بچه بودند، و خدا از آنچه بکار می برد لطمه وارد نمی کند، بلکه کره الاغ را پیش مادرش در امان نگاه می دارد. بسیاری هستند که فرزندانشان را بدون امان خدا به جامعه رها می کنند. نگذارید فرزندان دستخوش گرگ های جامعه بشوند. هر یک را خدا برای مقاصد بسیار عالی به دنیا آورده (۲).

می گوید، "جمعیت انبوهی نیز ردهای خود را بر سر راه گسترده و عده ای نیز شاخه های درختان را بریده، در راه می گستردهند". قبلاً می خواستند او را بزور پادشاه بکنند (یوحنا ۶: ۱۵) و مجبور شد از آنها دور شود (پیام برای کسانی بود که باید می شنیدند). اما حال با کمال غیرت خدا، خود پای در میدان جنگ گذاشت.

"آنان الاغ و کره اش را آوردند و ردهای خود را بر آنها افکندند و او بر ردها نشست". عیسی نخواست بود "ردهای خود را بر آنها افکندند"! اینجا محبت خدا را می بینید که معجزه آسا عمل می کند و هر که هر چه در دستش دارد را با کمال میل تقدیم می نماید. خدا خودش معجزه است. هر چه در دسترس عیسی قرار می گیرد به این خاطر است - "تا به شما امید بخشم و آینده ای عطا کنم".

عیسی مسیح وارد اورشلیم می شود و خود را پادشاه و حاکم بر آن (اورشلیم آسمانی) اعلام می کند. می گوید، "اگر کسی سخنی به شما گفت، بگویید: "خداوند بدانها نیاز دارد،"" و او بی درنگ آنها را خواهد فرستاد". قدرت خدا را بر انسان می بینید؟ قدرت روح القدسی که در خود دارید را چطور؟ می گوید، "و او بی درنگ آنها را خواهد فرستاد". می خواهد متوجه بشوند که خدا "فکرهای سعادت مندی" را برایشان دارد و اگر مطیع او باشند، او "بی درنگ" به نیازهایشان خواهد رسید. روح القدسی که در وجود خود دارید را دستکم نگیرید، خود خداست.

اتفاق عجیبی در حال رخ دادن بود. مردم (یهود) در انتظار پادشاه بودند که بیاید و آنها از یوغ رومیان نجات دهد! با ورود به شهر، همه هیجانزده شده بودند و او را با احترام قبول کردند (فعالاً).

"جمعیتی که پیشاپیش او می رفتند و گروهی که از پس او می آمدند،" شهر پر از وفاداران (جمعیتی که پیشاپیش او) و بی ایمانان (گروهی که از پس او) شده بود. شعارها به صدا درآمد، "هوشیاعانا بر پسر داوود!" «مبارک است آن که به نام خداوند می آید!» «هوشیاعانا در عرش برین!» (مزمور ۱۱۸).

در میان جمعیت، گروهی شاه می خواستند و گروهی عیسی.

شما را به یاد چه می اندازد (۳)...؟ قوم یهود در آن زمان روح القدس را نیافته بودند، اما امروز، فارسی زبانان مسیحی، روح القدس را دریافت کرده اند و آنچه مال دنیاست را به دنیا خواهند داد و آنچه مال خداست را به خدا. اگر خدا، قومی را در کلامش نیکو نام برده، اطمینان داشته باشید، که خواست آینده او نیز برایش نیکو خواهد بود. آمین.

"چون او وارد اورشلیم شد، شور و شوق همه شهر را فرا گرفت. مردم می پرسیدند: «این کیست؟». تحولی رخ داده بود، روح القدس وارد صحنه شده بود و مردم می پرسیدند، "این کیست؟". خدا زمینه را برای فارسی زبانان فراهم کرده. شهادت ها زیادند، و پیام همراه شهادت است که باعث می شود مردم بپرسند، «این کیست؟». و مردم جواب دادند، "این است عیسی پیامبر، از ناصره جلیل!" علامت تعجب در آخر آیه بسیار گویاست. بله مردم به حرف های شما ممکن است گوش بدهند، ولی کمتر کسی است که به آن عمل کند. چرا...؟ چون خودشان نمی توانند به تنهایی اجرا کنند (شیطان قویتر است) و خدا گفته دو یا سه نفر همفکر باید حضور داشته باشند تا آنگونه که خود گفته، پای به میدان بگذارند. راه خدا را کلامش بما داده. نگذارید، "هوشیاعانا در عرش برین" فرزندان .....، تبدیل به "بر صلیبش کن!" بشود.

## متی ۲۱

۱۲: آنگاه عیسی به معبد خدا درآمد

و کسانی را که در آنجا داد و ستد می کردند،

بیرون راند و تختهای صرافان

و بساط کبوتر فروشان را واژگون ساخت

۱۳: و به آنان فرمود:

«نوشته شده است که،

”خانه من خانه دعا خوانده خواهد شد،“

اما شما آن را ”لانه راهزنان“ ساخته اید.».

۱۴: در معبد،

نابینایان و لنگان نزدش آمدند و او ایشان را شفا بخشید.

۱۵: اما چون سران کاهنان و علمای دین اعمال خارق العاده او را مشاهده کردند

و نیز دیدند که کودکان در معبد فریاد می زنند:

«هوشیاعانا بر پسر داوود،» خشمناک شدند.

۱۶: پس به او گفتند:

«آیا می شنوی اینها چه می گویند؟» پاسخ داد:

«بله. مگر نخوانده اید که،

”از زبان کودکان و شیرخوارگان ستایش را مهیا ساختی“؟»

۱۷: پس عیسی ایشان را ترک گفت

و از شهر خارج شده، به بیت عنیا رفت و شب را در آنجا به سر برد.

عیسی دوباره وارد معبد شد. ابتدا بعنوان پیامبر وارد شده بود، و حال پادشاه معبد وارد می شود. اما، "کسانی را که در آنجا داد و ستد می کردند، بیرون راند و تختهای صرافان و بساط کبوترفروشان را واژگون ساخت". این فروشندگان نیز هر روز در معبد حضور داشتند. در معبد شما چطور ..؟ آیا روحی جز روح القدس، در آن ساکن است؟ آیا فروشندگانی میان اعضای کلیسا هستند که بخاطر بازاریابی یا هر وسوسه دنیوی دیگر، روح القدس را محزون یا آزار می دهند؟

البته صرافان کارشان تبدیل سکه رومی به شیکل (سکه یهودیان) بود که مردم برای خرید وسائل عبادت و پرستش لازم داشتند. می توانستند اعتراض به این کار بکنند. کبوتر فروشان نیز فروشنده وسائل مورد نیاز عبادت و پرستش مردم بودند. عیسی همه را بیرون کرد! چرا .....؟ چون این افراد برای شناخت یا عبادت یا پرستش خدا آنجا نبودند. آنها خود را میان فرزندان خدا جا میزنند تا خدا را نیازمند به پول کنند. کلیسا عهد جدید عیسی را برای فرزندان خدا فراهم ساخته، و دیگر اجازه نمی دهد مکان مقدس خدا تبدیل به همان چیزی که خارج از آن است، بشود (کمی هم رنگ جماعت). عیسی نیامد خدا را با دنیا آشتی بدهد .....! نیامد آنچه روال معمول دنیا است را ادامه دهد. فرق زیادی با دنیای از جلال افتاده دارد.

پس اشکال در چیست .....؟ اشکال در عدم حضور روح القدس در کلیسا است. زمینه روحانی دل فرزندى که پای درون معبد می گذارد، برای روح القدس فراهم نشده. بعنوان مثال، زمان مشخصی برای آغاز جلسات کلیسا اعلام می گردد، اما پس از آغاز جلسه، درب ورود و خروج کماکان باز می ماند! آمد و رفت های مردم (زمانی که دنیا به کنار رفته و روح القدس حضور یافته)، گویا اهمیتی ندارد! اگر خدا را در کلیسا دارید، مکان مقدس او را حفظ کنید. هم رنگ جامعه نشوید. یادبان باشد که فرموده، "برای من مقدس باشید، زیرا من، یهوه، قدوس هستم و شما را از قومها متمایز ساخته ام تا از آن من باشید" (لاویان ۲۰: ۲۶).

اما عیسی به کسانی که کلیسایش را هم رنگ جامعه می کنند تا از آن برای خود سواستفاده کنند می گوید، "اعمال تو را می دانم؛ می دانم که نه سردی و نه گرمی و کاش یا این بودی یا آن. اما چون ولرمی، نه گرم و نه سرد، چیزی نمائده که تو را چون تف از دهان بیرون بیندازم." (مکاشفه ۳: ۱۵-۱۶)

می گوید به آنان فرمود: «نوشته شده است که، "خانه من خانه دعا خوانده خواهد شد،" اما شما آن را لانه راهزنان ساخته اید". اگر تقدیس هدف کلیسا نباشد، دیر یا زود تبدیل به لانه راهزنان خواهد شد. عیسی هر چه از جامعه به کلیسایش نفوذ کرده بود را از قصد بیرون کرد. البته بعضی در اعتراض می گویند - چون خدا بود، یا مربوط به آن دوره و زمان بود، و یا هر شبانی تفسیر خود را دارد، و غیره.

اما .....، چطور است که این خود ساختگی ها را خدا از شما خواسته، در جایی که کلامش راه دیگری را، قرن هاست که نشان داده و بسیاری در آن ساکنند .....!

هیبت خدا را ببینید که هر چه از او نبود را بیرون کرد، و هیچکس اعتراضی نکرد! بساط همه را خراب کرد و هیچ اعتراضی از آنها نمی بینیم. چرا ....؟ چون روح القدس زمانی که انسان را پر از وجود خود می کند، هیبت او واگیر نیز می گردد. کلام در اعمال ۵: ۱۵ می گوید، "تا جایی که حتی بیماران را به میدانهای شهر می آوردند و آنان را بر بسترها و تختها می خواباندند تا چون پطرس از آنجا می گذرد، دست کم سایه اش بر برخی از آنان افتد". حتی سپاه پاسداران معبد و یا سربازان رومی آنجا اعتراض نکردند!

روح القدس دلیل این کارش را نیز (چه علیه شیطان درونی، و چه شیطان بیرونی) به کلامش مربوط ساخت(۴). روح القدس تنها کلامش را می شناسد. راه خدا تنگ و باریک است، و تنها روح القدسی که در فرزند خدا هست، توانائی بیرون ساختن شریر را دارد. آن هم با پشتیبانی یک یا دو روح القدس (نفر) دیگر که بتوانند کمک کنند تا روح القدس متقاضی، جوابش را از کلام بدست آورد. ابتدا مکتب روحانی روح القدس را کلامش آشکار می کند، سپس طریق هضم آن را فاش می کند، و در آخر قدرت اجرای آن را نیز می دهد. اگر کلیسای شما چنین است .... "شما را از قومها متمایز ساخته ام تا از آن من باشی"، باید به شما تبریک گفت.

پس از بیرون ساختن شیطان، "در معبد، نابینایان و لنگان نزدش آمدند و او ایشان را شفا بخشید". خدا نیاز های انسان را می دهد. او که خالق است، بهتر می تواند ما را تغییر بدهد تا آنگونه که خواست خدا برای ما هست، باشیم.

"اما چون سران کاهنان و علمای دین" (روح شیطان) این چیزها را دیدند "خشمناک شدند". البته باید انتظار داشت دشمنی که جای گرم و نرمی را برای خود ساخته، با چنگ و دندان برای خانه اش بجنگد. اما از آنجا که خالق قوی تر از مخلوق است، مکتب خدا نیز قوی تر از مکتب دشمن ماست.

"پس عیسی ایشان را ترک گفت و از شهر خارج شده، به بیت عنیا رفت و شب را در آنجا به سر برد". وقتی روح القدس می بیند که فایده ندارد، آنجا را ترک می کند. بحث و گفتگو در خصوص خدا وقت و زمان خود را دارد (جلسات مطالعه کلام).

### متی ۲۱

۱۸: بامدادان عیسی در راه بازگشت به شهر، گرسنه شد.

۱۹: در کنار راه، درخت انجیری دید و به سوی آن رفت،

اما جز برگ چیزی بر آن نیافت. پس خطاب به درخت گفت:

«مباد که دیگر هرگز میوه ای از تو به بار آید!»

در همان دم درخت خشک شد.

۲۰: شاگردان که از دیدن این واقعه حیرت کرده بودند، از او پرسیدند:

«چگونه درخت انجیر چنین زود خشک شد؟»

۲۱: عیسی در پاسخ به آنان گفت:

«آمین، به شما می گویم، اگر ایمان داشته باشید و شک نکنید،

نه تنها می توانید آنچه بر درخت انجیر گذشت انجام دهید،

بلکه هر گاه به این کوه بگویید

«از جا کنده شده، به دریا افکنده شو،»

چنین خواهد شد.

۲۲: اگر ایمان داشته باشید،

هر آنچه در دعا درخواست کنید، خواهید یافت».

عیسی به بیت عنیا آمد و شب را احتمالاً در خانه دوستش لازارس گذراند. مارتا و مریم نیز آنجا بودند. با شاگردانش در راه بود که گرسنه شد. "در کنار راه، درخت انجیری دید و به سوی آن رفت". اینجا باز عیسی از فرصت استفاده می کند تا مطلبی را برایشان باز کند. "اما جز برگ چیزی بر آن نیافت". "پس خطاب به درخت گفت: «مباد که دیگر هرگز میوه ای از تو به بار آید!»". میوه درخت انجیر بر خلاف بقیه میوه ها، قبل از برگ روییدن بدست می آید. زمانی که برگ شکوفا می گردد نیز، میوه آماده خوردن می شود. اما این درخت برگ هایش قبل از میوه در آمده بود. بنظر می رسید که میوه آماده خوردن دارد، اما ظاهرش فریبنده بود. مردم را گول میزد. سعی کرده بود خود را میوه دار جلوه دهد. این نیز همان رقابت در خانه خداست. دانستن و دانشمند بودن در مکتب روحانی خدا زمانی فایده دارد، که هر یک از آن دانستنی ها میوه خود را آورده باشند. اگر آنچه در ذهن مانده و برداشت نشده مصرف شیطان (دست پخت) را خواهد داشت.



عیسی می گوید، "آمین، به شما می گویم، اگر ایمان داشته باشید و شک نکنید، نه تنها می توانید آنچه بر درخت انجیر گذشت انجام دهید، بلکه هر گاه به این کوه بگویید "از جا کنده شده، به دریا افکنده شو،" چنین خواهد شد". زمینه سازی عیسی برای شناخت روح القدس است. ایمان از شناخت روح القدس بدست می آید. هر چه روح القدس را بکار ببریم، ایمان ما به خدا (شناخت تثلیث خدا) بیشتر خواهد شد. شما زمانی که ایمان آوردید، ضعف روحانی خود را در زندگی این دنیای از جلال افتاده، نزد خدا آوردید، و او نیز نیاز شما را برآورده کرد (بیشتر از نیاز). اما .... آیا مشکل خود را در دعا ("در معبد، نابینایان و لنگان نزدش آمدند و او ایشان را شفا بخشید") نزد خدا آورده اید؟ کلیسا معبد خداست و خادمینی را خود بنا ساخته تا در دعا، نیاز شما را خدا برآورده کند. اگر نخواهید و نکوید، چگونه انتظار دارید نیازتان را برآورده کند؟ شما هستید که باید دریافت کنید، نه آنکه کلیسا به طریقی به شما تزریق کند ... ! ایشان کار خودشان را می کنند، اما شما نیز باید قدم در راه خدا بردارید. اگر روح القدس را دریافت کرده اید، حال زمان شناخت او فرا رسیده.

شما ....، که در حال خواندن این مطالب هستید ....، اگر از قصد تصمیم به شراکت خدا در مسئله یا مشکلی که دارید پشوید، آنوقت .... آنچه خوانده اید، مفید (مفت چنگتان) خواهد بود. در غیر اینصورت چی ...؟ (مفت چنگ شیطان خواهد شد). روح القدس مسئله و مشکلی که دارید را به ذهن شما آورده و می گوید ...، "به این کوه بگویید "از جا کنده شده، به دریا افکنده شو،" چنین خواهد شد".

دیوار اریها را بیاد دارید؟ هفت بار (یعنی بقدر کافی) کوبیدند جوئیدند و نهایتاً خدا بیروز شد. شیطان صاحب خانه دل شما بود، و روح القدس متجاوز به آن گردیده. اما .... مگر شما نکوبیدی و نجوئیدی و روح القدس را جانبداری نکردید تا که دریافت کردید. خدا بسیار امین است و برای همه زندگی ما کافیهست، و این همان اطمینانیهست که به او پیدا کردیم. خدا تابحال شکست نخورده. او که ابتدا شما را اجابت نمود و بردوش خود کشید، فراموش نکنید. او کارش تقدیس است، و اگر کوهی که جلودار راه ایمان شما بود را، برداشت، در راه نیز، کوهی جلودار برداشت دیگر شما شده (مسائل و مشکلات فرزندان خدا)، می خواهد و می تواند از سر راه شما بردارد. اما باید از قصد پشتیبان روح القدس درون خود باشیم. فیض او را فراموش نکنیم، در جایی که راهی نبود، راه را خود فراهم نمود. شما "به این کوه" گفتید "از جا کنده شده، به دریا افکنده شو،" و افکنده شد، و شما ایمان آوردید. خدا در شما بیروز شد. قبول دارید .....؟ پس حال نگذارید آنچه حیاتی بود را شیطان با آوردن کوهی در مقابل کسی که صاحب زندگی شما شده (با حمایتی که شما از او می کنید) مانع حیات آسمانی شما گردد. تجربه را نیز از خدا بخواهید در کلیسا فراهم سازد.

خوب توجه کنید..... خدا می گوید، "اما اکنون خداوند، آفریننده تو ای یعقوب، و صانع تو ای اسرائیل، چنین می فرماید: «مترس، زیرا من تو را فدیة داده ام، و تو را به نام خوانده ام، پس از آن من هستی»".

هر چه زودتر به این حقیقت که بر ما واقع شده، پی ببریم ("تو را به نام خوانده ام، پس از آن من هستی")، اعمال روح القدس ("از آن من هستی") نیز (زندگی ما) آسان و خواهد بود. البته .... خلاف آن نیز را نباید نادیده گرفت.

پس، "آمین، به شما می گویم، اگر ایمان داشته باشید و شک نکنید"، "هر گاه به این کوه بگویید "از جا کنده شده، به دریا افکنده شو،" چنین خواهد شد". گمان، شک، سوال را از سر راه برداشت خود ابتدا از سر راه بردارید (زیر بنای کار روح القدس)، آنوقت ... خواهید دید که خدا بسیار امین است و آنچه از او برداشت کرده اید را چندین برابر خواهد کرد. او خالق و حال صاحب ما است. زیر بنا را از یاد نبرید: "اگر ایمان داشته باشید، هر آنچه در دعا درخواست کنید، خواهید یافت". خدا شاید در زندگی ما معجزه نکند، اما آنچه بر حسب نیازمان لازم داریم را انجام خواهد داد. چون آنچه نیاز داریم را روح القدس به ما نشان داد و می دهد. این مانند چک بانکی خدای آفرینش است که محدودیتی ندارد (خدا بی نهایت است). اما ..... در خودش نا محدود است، اما در ما ..... محدود به آنچه روح القدس به ما نشان داده می باشد، نه آنچه خودمان می خواهیم. می گوید، "اگر ایمان داشته باشید".

## متی ۲۱

۲۳: آنگاه عیسی وارد معبد شد و به تعلیم مردم پرداخت.  
در این هنگام، سران کاهنان و مشایخ قوم نزد او آمدند و گفتند:

«به چه اجازه ای این کارها را می کنی؟  
چه کسی این اقتدار را به تو داده است؟»

۲۴: عیسی در پاسخ گفت:

«من نیز از شما پرسشی دارم.

اگر پاسخ گفتید، من نیز به شما می گویم با چه اقتداری  
این کارها را می کنم.

۲۵: تعمید یحیی از کجا بود؟ از آسمان یا از انسان؟»

آنها بین خود بحث کردند و گفتند:

«اگر بگوییم از آسمان بود، به ما خواهد گفت،

”پس چرا به او ایمان نیاوردید؟“

۲۶: و اگر بگوییم از انسان بود،

از مردم بیم داریم،

زیرا همه یحیی را پیامبر می دانند.»

۲۷: پس به عیسی پاسخ دادند: «نمی دانیم.»

عیسی گفت: «من نیز به شما نمی گویم با چه اقتداری این کارها را می کنم.

عیسی وارد خانه پدر می شود و بکار خود ادامه می دهد. آنجا نیز، با ستیزه جویان (یهودیان و مذهبیبون) مواجه می شود، "سران کاهنان و مشایخ قوم نزد او آمدند و گفتند: «به چه اجازه ای این کارها را می کنی؟ چه کسی این اقتدار را به تو داده است؟»". می خواهند بدانند کیست که این حق را بتو داده. به عبارت دیگر، حق من در دست خودم می باشد و بس (شیطان). چه کسانی را می شناسید که حق را به خودشان می دهند؟! بله، دنیا پر از حق بجانب است، و ما نیز زمانی در جمع ایشان بودیم.

عیسی دوباره از فرصت استفاده کرد تا تعلیم بدهد، "عیسی در پاسخ گفت: «من نیز از شما پرسشی دارم. اگر پاسخ گفتید، من نیز به شما می گویم با چه اقتداری این کارها را می کنم". زمانی هست که باید اختلاف خدای خالق را با خدای این جهان به زبان آورد، "تعمید یحیی از کجا بود؟ از آسمان یا از انسان؟". به عبارت دیگر، شما خدا را چگونه می شناسید؟ اگر خالق خود می شناسید، پس در شما وجود دارد. حال اگر بگوئیم عیسی نیز می گوید خدا خالق شماست، و در شما وجود دارد، اما محزون است...، چه اشکالی دارد؟ "پس به عیسی پاسخ دادند: «نمی دانیم.»".

"عیسی گفت: «من نیز به شما نمی گویم با چه اقتداری این کارها را می کنم".

## متی ۲۱

۲۸: «نظر شما چیست؟ مردی دو پسر داشت.

نزد پسر نخست خود رفت و گفت:

«پسرم، امروز به تاکستان من برو و به کار مشغول شو.»

۲۹: پاسخ داد: «نمی روم.»

اما بعد تغییر عقیده داد و رفت.

۳۰: پدر نزد پسر دیگر رفت و همان را به او گفت.

پسر پاسخ داد: «می روم، آقا،»

اما نرفت.

۳۱: کدام یک از آن دو پسر خواست پدر خود را به جا آورد؟»

پاسخ دادند: «اولی.» عیسی به ایشان گفت:

«آمین، به شما می گویم، خراجگیران و فاحشه ها

پیش از شما به پادشاهی خدا راه می یابند.

۳۲: زیرا یحیی در طریق پارسایی نزد شما آمد

اما به او ایمان نیاوردید، ولی خراجگیران و فاحشه ها ایمان آوردند.

و شما با اینکه این را دیدید، تغییر عقیده ندادید و به او ایمان نیاوردید.

"«نظر شما چیست؟» ... عیسی دو مثال (۲۸ تا ۴۶) را برای بی اعتبار کردن اعتقادشان بکار می برد (زمینه سازی). شما حقیقت را نام می برید، اما به آن اکتفا نمی دارید. به عبارت دیگر، اگر این حد به خود حق می دهید، فکر کنید و ببینید آیا تمام آنچه به خود حق می دهید را دریافت کرده اید؟ "شما با اینکه این را دیدید، تغییر عقیده ندادید". چرا .....؟ چون از آزادی که خدا به شما داده سواستفاده کرده اید. شما آزاد نیستید هر گونه که می خواهید از خدا استفاده کنید؟ آزادی خدا را اشتباه برداشت کرده اید. روح القدس نجات (آزادی از بند) را از گناه داد، تا ریشه آن را در طول زندگی فرزند خدا، از میان ببرد. اگر روح القدس را به زبان نمی آورید، بخاطر آنست که تجربه از آن را ادامه نداده اید. صحبت خوبی از آن می کنید، اما بی مایه است، و از یک گوش وارد می شود و از گوش دیگر خارج!

اولین پسر به پدر پاسخ منفی داد، اما بعداً توبه کرد و "می روم، آقا،". به این می گویند توبه حقیقی ... چون تبدیل به رفتاری مناسب آن گردید ("پس ثمری شایسته توبه بیاورید" (۳: ۸)). او زبان بازی نکرد، یا وعده دهد که فردا یا پس فردا هتماً خواهم رفت. رفتن همان اطاعت از روح القدس است. خدا گفت، "به کار مشغول شو"، و بکار مشغول شد (درون دل، یا در کلیسا).

- ۳۳: «به مثل دیگری گوش فرا دهید.  
صاحب ملکی تاکستانی غرس کرد و گرد آن دیوار کشید  
و چرخستی در آن کند و برجی بنا نهاد.  
سپس تاکستان را به چند باغبان اجاره داد و خود به سفر رفت.
- ۳۴: چون موسم برداشت محصول فرا رسید،  
غلامان خود را نزد باغبانان فرستاد تا میوه او را تحویل بگیرند.
- ۳۵: اما باغبانان غلامان او را گرفته،  
یکی را زدند و دیگری را کشتند و سومی را سنگسار کردند.
- ۳۶: دیگر بار، غلامانی بیشتر نزد آنها فرستاد،  
اما باغبانان با آنها نیز همان گونه رفتار کردند.
- ۳۷: سرانجام پسر خود را نزد باغبانان فرستاد و با خود گفت:  
"پسرم را حرمت خواهند داشت".
- ۳۸: اما هنگامی که باغبانان پسر را دیدند، به یکدیگر گفتند:  
"این وارث است. بیایید او را بکشیم و میراثش را تصاحب کنیم".
- ۳۹: پس او را گرفتند و از تاکستان بیرون افکنده، کشتند.
- ۴۰: با این اوصاف، وقتی صاحب تاکستان بیاید با این باغبانان چه خواهد کرد».
- ۴۱: پاسخ دادند: «آن افراد بی رحم را با بی رحمی تمام نابود خواهد ساخت  
و تاکستان را به باغبانان دیگر اجاره خواهد داد  
تا میوه آن را در فصلش به او بدهند».
- ۴۲: آنگاه عیسی به آنان گفت: «آیا تا به حال در کتب مقدس نخوانده اید که،  
»سنگی که معماران رد کردند، مهمترین سنگ بنا شده است.  
خداوند چنین کرده و در نظر ما شگفت می نماید»؟
- ۴۳: پس شما را می گویم که پادشاهی خدا از شما گرفته و به قومی داده خواهد شد  
که میوه آن را بدهند.
- ۴۴: [هر که بر آن سنگ افتد، خرد خواهد شد،  
و هر گاه آن سنگ بر کسی افتد، او را در هم خواهد شکست]».
- ۴۵: چون سران کاهنان و فریسیان مثلهای عیسی را شنیدند،  
دریافتند که درباره آنها سخن می گوید.
- ۴۶: پس بر آن شدند که او را گرفتار کنند،  
اما از مردم بیم داشتند زیرا آنها عیسی را پیامبر می دانستند.

"«به مثل دیگری گوش فرا دهید." در این مثال، "صاحب ملکی تاکستانی غرس کرد و گرد آن دیوار کشید" (۵).

"صاحب ملک" ..... خداست. "تاکستان" .... انسان مخلوق خداست، "غرس کرد" .... پیامی است که روح القدس در دل او می کارد، و "دیوار" نشان حفاظت او در کلیسا است. خدا همه چیز را برای میوه روح

القدس در ما فراهم ساخته. خدا در جای دیگر می فرماید، " برای تاکستان من دیگر چه می شد کرد، که در آن نکردم؟ پس چرا چون منتظر انگور بودم، انگور تلخ آورد؟" (اشعیا ۵: ۴).

"سپس تاکستان را به چند باغبان اجاره داد و خود به سفر رفت." "باغبان"، کشیش، خادمین، و تجربه داران کلیسا می باشند. این افراد مسئول رشد و حفاظت فرزندان خدا هستند. اما، فرزندان باید آنها را همایت کنند. نه تنها همایت مالی، بلکه همایت روحانی. فکر نکنید خدا هستند! مثل شما هستند، اما خدا آنها را مسئول نموده به شما خوراک لازم را بدهند. در نتیجه ... تشویق، همکاری، همراهی (در کلام) ... اینها را لازم دارند تا آن یوغی که بر گردن دارید را بردارند (میوه آورند). برای شما برکت خدا می باشند. بکوبید و بجوئید، و با همایت از آنکه می تواند کمک کند (روح القدس و کلامش)، خدا را در خود پیروز کنید ("موسم برداشت محصول فرا رسید"). تجربه کلام عیسی مسیح را از کلیسا بخواهید.

"چون موسم برداشت محصول فرا رسید، غلامان خود را نزد باغبانان فرستاد تا میوه او را تحویل بگیرند." غلامان خدا چه کسانی هستند .....؟! روح القدس و کلامش در زندگی در هر یک از مخلوقات خدا. روح القدسی که در شما هست، "غلام" خداست. روح القدسی که در شماست، خواست خدا را (در شما) به ذهن می آورد (مسئله یا مشکل)، راه انجام آن را (کلامی که مربوط به آن است) هضم می نماید، و قدرت انجام آن را (میوه روح القدس) نیز فراهم می سازد.

"اما باغبانان غلامان او را گرفته، یکی را زدند و دیگری را کشتند و سومی را سنگسار کردند." فرزند خدا زمانی که ایمان می آورد، تشنه خوراک آسمانی می باشد (روح القدس آزاد شده). اما خودش نمی تواند این خوراک آسمانی را بدست آورد (۲ یا ۳ تن همفکر لازم است). در نتیجه به کلیسا پناه می آورد. اما باغبانان روح القدس را محزون کرده بودند! یا خود به مسائل و مشکلات فرزندان رسیدگی می کردند، یا فرزندان خدا را به پناه روانشناسان می فرستند. روح القدسی که درون فرزند خدا بود را نادیده گرفتند، و تنها عیسی منجی را برایشان بالا بردند. در صورتی که عیسی خودش در جای دیگر گفته بود، "« و من به شما راست میگویم که رفتن من برای شما مفید است، زیرا اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شمامی فرستم». توجه کردید ....؟! "اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد."

تسلی دهنده کیست .....؟! روح القدسی است که در شماست. اما روح القدس تنها از کلامش استفاده می کند، نه هر چه دیگر. تازه.....، ابتدا زمینه کار روح القدس باید فراهم شده باشد، تا توان برداشت فرزند از کلام ایجاد گردد. اگر کلیسا چنین کاری را بگونه ای که خدا خواسته، انجام داده باشد، جای خاصی در ملکوت خدا دارد. امین

"اما باغبانان غلامان او را گرفته، یکی را زدند و دیگری را کشتند و سومی را سنگسار کردند." باغبان نبودند، برای خودشان کلیسا زده بودند. روح القدس را به انواع مختلف زدند، کشتند، و سنگسار کردند. از خدا نمی توان سواستفاده کرد. بسیاری بودند، سعی کردند، و به نتیجه بدی رسیدند.

"اما هنگامی که باغبانان پسر را دیدند، به یکدیگر گفتند: "این وارث است. بیایید او را بکشیم و میراثش را تصاحب کنیم". شیطان است که می خواهد خدا را بکشد، "پس او را گرفتند و از تاکستان بیرون افکنده، کشتند." از فرزند خدا که انسان شده استفاده می کند، تا عاقبت ایمان آوردن به او را اینگونه نشان بدهد ("میراثش را تصاحب کنیم"). اما قافل از آنکه، خالق قویتر از مخلوق است. امین.

عیسی از این بی ایمانان ستیزه جو می پرسد، "وقتی صاحب تاکستان بیاید با این باغبانان چه خواهد کرد؟" بیشتر مردم وجدان خود را دارند و کم و بیش به آنچه خوب و بد است آشنا هستند. از روی وجدانی که داشتند، "پاسخ دادند: «آن افراد بی رحم را با بی رحمی تمام نابود خواهد ساخت و تاکستان را به باغبانان دیگر اجاره خواهد داد تا میوه آن را در فصلش به او بدهند»".....! توجه کردید...؟! عیسی مرگ خود را بدست همین افراد پیش بینی می کند، و از همین افراد می پرسید خدا با آنها چه خواهد کرد، و به این طریق زمینه را برای حقیقت فراهم می سازد. اما حقیقتی که به زبان آوردند، آن نبود که نشان دادند. حیات همه از خداست،

اما ..... این حیات، مکتبی نیز در خود دارد که با مکتبی که با آن به دنیا آمده سازگار نیست. "صاحب تاکستان" ابتدا خدا نیست. خدا خود آمد تا "صاحب تاکستان"، یعنی ملک خود را بازپس بگیرد. می گوید، "آیا تا به حال در کتب مقدس نخوانده اید که، «سنگی که معماران رد کردند، مهمترین سنگ بنا شده است» (۶). "سنگ"، همان روح القدس است که معماران (خادمین) رد کردند. "پس شما را می گویم که پادشاهی خدا از شما گرفته و به قومی داده خواهد شد که میوه آن را بدهند" (۴۳). این هشدار است به کشور ما. امروزه نیز شاهد جفای این بی ایمانان ستیزه جو می باشیم. مذهب همیشه با روح القدس مسئله داشته. هر مسئله ای که برای شما پیش می آید، کمال شادی بشمارید، چون روح القدس آن را در شما افشا کرده و جوایش در کلامش می باشد (۷). آیه ۴۴ در بعضی از کتب وارد نشده، اما معنی آن واضع می باشد. و نهایتاً ... "دریافتند که درباره آنها سخن می گوید". بقول معروف 'دوزاریشن افتاد!' و در نتیجه، "پس بر آن شدند که او را گرفتار کنند، اما از مردم بیم داشتند زیرا آنها عیسی را پیامبر می دانستند". خشم برافروخته شد، اما ترس از دست دادن "تاکستانی" که برای خود ساخته بودند، جلوشان را گرفت.

««« **توجه** »»»



**آنچه در این قسمت از متی خوانده اید**

**!! هیچ ارزشی ندارد !!**

**مگر آنکه آن را اجرا نیز بکنید**

**عیسی می گوید**

\*\*

\*\*

متی ۱۲  
۵۰: زیرا هر که اراده پدر مرا که در آسمان است به جای آورد،  
برادر و خواهر و مادر من است.

**آنکه پیام خدا را می دهد، باید راه انجام آن را نیز نشان بدهد.  
در غیر اینصورت دستخوش شیطان می گردد.**

<http://www.moshaveremasihi.com/Teach.html>

**من برکت خودم را گرفتم  
بقیه را خود دانید**

## فهرست زیر نویس های فصل بیست و یکم

(۱) تدریس مشاوره مسیحی : <http://www.moshaveremasihi.com/Teach.html>

(۲)

### ارمیا ۲۹

۱۱: زیرا فکری را که برای شما دارم می دانم،  
که فکرهای سعادت‌مندی است و نه تیره بختی،  
تا به شما امید بخشم و آینده ای عطا کنم؛  
این است فرموده خداوند.

(۳) بعضی اشخاص معتقدند که (ارمیا ۴۹: ۳۴ - ۳۹) مربوط به ایران است، چون می گویند آنچه در مورد عیلام گفته، در ایران در حال تحقق یافتن است. بنظر می رسد که شیطان پاشنه پای عیسی را گزیده و عیسی در حال خورد کردن سر اوست زیر پایش. خدا داند.

(۴)

### لاویان ۲۰

۲۶: برای من مقدس باشید،  
زیرا من، یهوه، قدوس هستم  
و شما را از قومها متمایز ساخته ام  
تا از آن من باشید.

(۵)

### اشعیا ۵

۷: آری، تاکستان خداوند لشکرها خاندان اسرائیل است،  
و مردمان یهودا نهال دلپذیر اویند.  
او برای انصاف انتظار کشید،  
و اینک خون ریزی بود؛  
و برای عدالت، و اینک ناله و فریاد بود!

(۶)

### مزمور ۱۱۸

۲۳: سنگی که معماران رد کردند  
مهمترین سنگ بنا شده است!  
۲۳: این را خداوند کرده،  
و در نظر ما شگفت می‌نماید!